

The role of multiplicity of instruments in fulfilling the attachment liability

Sam Mohammadi*
Mohsen Jafari Behzadkalaei**

Received: 2019/05/22

Accepted: 2019/08/23

The issue of the multiplicity of instruments is devoted to examining the effect of various instruments on unit loss. This may be in the form of a community of instruments that form longitudinally or transversely as a single source of damage, or that several instruments are independent and unrelated to each other, and each cause be it the source of the guarantee independently. Thus, although causation is not exclusive to customary causation and may arise from contractual or legal liability, assuming the independence of the independence multiplicity of instruments, we see a legal entity of attachment liability in which many authorities are unrelated to Each other is liable for all damages for the loss. This article attempts with scrutiny in meaning and understanding of cause and causation and offering a division of causation, also divides the multiplicity of instruments with a new approach in terms to the social multiplicity of instruments and the independence multiplicity of instruments. And to explain the recent role of the multiplicity of instruments in creating the responsibility we have referred to as attachment liability, with different instances.

Keywords: Cause, Causality, Multiplicity instruments, Attachment liability.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* Associate Professor of Private Law Department of Law College, Mazandaran University, Iran (Corresponding Author). s.mohammadi@umz.ac.ir

** Ph.D. Student of Private Law Department, Law College, Mazandaran University, Babolsar, Iran, Faculty member of Law Department, Payame Noor University, Iran. m.jafaribehzad@stu.umz.ac.ir

نقش تعدد اسباب در تحقق مسئولیت ضمیمه‌ای

سام محمدی*

محسن جعفری بهزاد کلائی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۱

چکیده

موضوع تعدد اسباب اختصاص به بررسی تأثیر اسباب گوناگون در ارتباط با ضرری واحد دارد. این امر ممکن است به شکل اجتماع اسباب مذکور باشد که به نحو طولی یا عرضی منع واحدی را در ایجاد خسارت تشکیل می‌دهند و یا آنکه اسباب متعدّد به صورت مستقل بوده و ارتباطی با یکدیگر نداشته باشند و هر سبب مستقلاً سبب ضمان محسوب گردد. لذا با این وصف که سببیت منحصر به سببیت عرفی نبوده و ممکن است مسئولیتی ناشی از سببیت قراردادی و یا قانونی به وجود آید، در فرض تعدد استقلالی اسباب، شاهد نهاد حقوقی مسئولیت ضمیمه‌ای می‌باشیم که در آن مسئولین متعدّد بدون وجود رابطه نیابتی با یکدیگر، در قبال زیان‌دیده متعهد به تمام خسارت می‌شوند. در این مقاله سعی شده است تا با تدقیق در معنا و مفهوم سبب و سببیت و ارائه تقسیمی از سببیت، تعدد اسباب را نیز با رویکردی جدید به دو قسم تعدد اجتماعی اسباب و تعدد استقلالی اسباب تقسیم نموده و نقش قسم اخیر تعدد اسباب را در ایجاد مسئولیتی که از آن با عنوان مسئولیت ضمیمه‌ای یاد نموده‌ایم، با بیان مصادیق مختلف تبیین نماییم.

واژگان کلیدی: سبب، سببیت، تعدد اسباب، مسئولیت ضمیمه‌ای.

* دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول).

s.mohammadi@umz.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، عضو

m.jafaribehzad@stu.umz.ac.ir

هیأت علمی گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، ایران.

مقدمه

یکی از مباحث عمده در مسئولیت مدنی، تحقق ارکان مسئولیت می‌باشد. سبب، ضرر و رابطه سببیت، سه رکن مسئولیت می‌باشند که فقدان هر یک از آنها ضمان را از خواننده دور می‌سازد. کاربرد سبب در فقه و حقوق و در موارد مختلف از جمله موجبات ضمان و موضوعات احکام، بیانگر آن است که شرع بین سبب و امور دیگر رابطه‌ای وضع نموده است که از وجود سبب، تحقق مسبب و از عدم سبب، فقدان مسبب حاصل می‌شود. البته باید توجه داشت که سبب به معنی علت تامه نیست بلکه جزیی از اجزاء علت تامه می‌باشد (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ص. ۷۸).

رابطه مزبور همان سببیت است که به معنای تلازم وجودی و عدمی بین سبب و مسبب می‌باشد. نظر به اینکه در بحث سببیت به دنبال احراز رابطه علیت واقعی نبوده و حتی کفایت تا قانون‌گذار امری را سبب واقعه‌ای دیگر دانسته و از این طریق سببیت را به اثبات برساند، با قسمی از سببیت مواجه می‌باشیم که تنها مبتنی بر نص قانون بوده و آن را سببیت قانونی نامیده‌ایم که در کنار سببیت‌های ناشی از فعل زیانبار و نیز قرارداد، موجبات ضمان را فراهم می‌آورند.

نکته دیگر آنکه در قوانین موضوعه با اقسامی از مسئولیت‌ها نظیر مسئولیت کارگر خطاکار در مقابل زیان‌دیده و نیز مسئولیت کارفرمای همان کارگر در برابر زیان‌دیده به استناد مواد ۱ و ۱۲ قانون مسئولیت مدنی مواجه می‌باشیم. این قسم از مسئولیت‌ها که مرکب از دو مسئولیت و اشتغال ذمه دو مدیون در قبال موضوع دین یا ضرر واحد و در برابر یک شخص می‌باشد، بیانگر ایجاد دو رابطه مستقل می‌باشند که سببیت‌های جداگانه‌ای آن اسباب را با مسبب آنها که خسارت وارده بر زیان‌دیده می‌باشد مرتبط ساخته و موجب ضمان اشخاص گردیده است. در این قسم از مسئولیت که نظایر دیگری از آن نیز متصور می‌باشد و در این مقاله از آنها به دلیل انضمام ذمه اشخاص به یکدیگر در برابر طلبکار، با عنوان مسئولیت ضمیمه‌ای یاد نمودیم، امری که به وضوح با آن مواجه می‌باشیم، تعدد اسباب می‌باشد. اما آنچه که از تعدد اسباب در آثار حقوقی مشاهده می‌شود، تعدد اسباب عرضی و طولی می‌باشند که با یکدیگر منبع واحدی را در ورود خسارت تشکیل می‌دهند و صرفاً به دنبال این امر می‌باشد که توزیع مسئولیت بین این اسباب چگونه صورت پذیرد؛ حال آنکه در بحث ما چنین مسائلی مطرح نمی‌باشد.

لذا با طرح این سؤال که چگونه می‌توان اشخاص را با اسباب متعددی که ارتباطی با یکدیگر ندارند در قبال ضرری واحد مسئول قلمداد نمود، در این مقاله به دنبال پاسخ مناسب برای آن می‌باشیم.

با توجه به نقش پررنگ مسئولیت ضمیمه‌ای در حقوق مسئولیت مدنی کنونی، بررسی چگونگی تأثیر اسباب متعدد در حدوث این مسئولیت می‌تواند راهکار مناسبی در تشخیص و توسعه این نوع مسئولیت ارائه دهد. بر این اساس در این مقاله پس از بررسی مفهوم سبب و سببیت و ارائه تقسیمی نو از سببیت در ضمان، چگونگی دخالت تعدد اسباب در شکل‌گیری مسئولیت ضمیمه‌ای همراه با بیان و شرح مصادیق مهم و رایج آن را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

با وجود اهمیت این مسئولیت که بدان اشاره نمودیم، تاکنون از این زاویه به آن نگریسته نشده است و ورود به این بحث از مجرای تعدد اسباب که کارکرد آن تاکنون صرفاً در اجتماع اسباب بوده است، و همچنین اشاره به اقسام سببیت و سببیت قانونی، از نوآوری‌های این مقاله می‌باشد که سعی شده با تأملی در حقوق مصر، از غنای بیشتری برخوردار گردد.

۱. سببیت

۱-۱. مفهوم

واژه سبب، در فقه در موضوعات مختلفی مانند احکام و عقود و ایقاعات و موجبات ضمان به کار رفته است. مجموع این کاربردها بیانگر آن است که سبب به اموری اطلاق می‌شود که از وجود آنها وجود و از عدم آنها عدم لازم می‌آید؛ لذا شرع بین آنها و امور دیگر رابطه وجودی و عدمی برقرار نموده است. برخی فقها در تعریف سبب آورده‌اند: سبب از نظر لغوی آن است که بواسطه‌اش می‌توان به امری دیگر رسید و در اصطلاح نیز عبارت از هر وصف ظاهر و منضبطی می‌باشد که بر اساس دلیل شرعی بیانگر اثبات حکم شرعی باشد به نحوی که از وجود آن، وجود حکم و از فقدان آن عدم حکم لازم آید و وجود حکم بدون آن ممتنع باشد و تنها در صورتی تخلف حکم از سبب ممکن باشد که مانعی در میان بوده و یا شرطی مفقود گردد (شهید اول، بی‌تا، ص. ۳۹). بدین نحو سببیت در اصطلاح فقهی نوعی ملازمه وجودی و عدمی بین دو امری است که ملزوم آن سبب و لازم آن مسبب

نامیده می‌شود. مانند صرف استیلاي غاصب بر مال ديگري و يا تقصير امين در امانت که مستلزم ضمان آنها نسبت به مال تحت تصرف می‌باشد (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ص. ۷۸).
لذا سببیت باید در تمامی موارد اسباب ضمان به اثبات برسد. البته باید توجه داشت که بحث از سببیت در اسباب ضمان به معنی اثبات علیت واقعی بین افعال و اثر ضمان نیست بلکه کافی است که وجود فعلی مانند اتلاف از نظر شرع یا قانون علامت وجود ضمان برعهده متلف باشد و صراحت دلیل شرعی و یا قانون در این خصوص حتی به شکل اماره و علامت می‌تواند سببیت به معنی فقهی و حقوقی را اثبات نماید (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ص. ۷۸).

در مسئولیت‌های قراردادی، فعل زیانبار غالباً فعل منفی است برای فعل ضرری از «عهدشکنی» یا «عدم انجام تعهد» یا «تخلف از اجرای تعهد» استفاده می‌کنند؛ البته گاه فعل مثبت نیز مانند تلف عمدی موضوع قرارداد، باعث شکل‌گیری مسئولیت قراردادی می‌شود (تقی‌زاده و هاشمی، ۱۳۹۶، ص. ۶۰).

در حقوق فرانسه از فعل ضرری گاه با واژه تقصیر یاد می‌شود و در مسئولیت قهری، واژه تقصیر غیرقراردادی و در مسئولیت قراردادی واژه تقصیر قراردادی مطرح می‌شود (تقی‌زاده و هاشمی، ۱۳۹۶، ص. ۶۰).

همچنین در فقه از این بحث با مثال‌هایی از قبیل بازماندن درب خانه و سرقت مال از آن توسط سارق تحت عنوان رابطه مسبب و مباشر در اتلاف یاد شده است (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۳۷، ص. ۶۷).

در حقوق مصر نیز قائل براینند که سببیت، رکنی مستقل از خطا محسوب می‌شود و مواردی متصور می‌باشد که سببیت وجود دارد ولی خطا وجود ندارد یا اینکه ممکن است تقصیر وجود داشته باشد ولی رابطه سببیت پدید نیاید. برای مثال شخصی که غیرمجاز در حال رانندگی می‌باشد در اثر تقصیر عابری با وی برخورد می‌نماید. در اینجا تقصیر راننده و نیز ضرر مصدوم شدن عابر موجود می‌باشد ولی سبب ورود ضرر، تقصیر عابر مصدوم است نه تقصیر راننده (سنه‌وری، ۲۰۰۹م، ج ۱، صص. ۹۹۰-۹۹۱).

در خصوص احراز رابطه سببیت بین فعل زیانبار و زیان وارده، هر گاه مسئولیت ناشی از فعل شخص باشد، باید رابطه سببیت بین فعل وی و ضرر ثابت شود ولی در فرضی که مسئولیت از فعل غیر به وجود می‌آید، چنین ضرورتی وجود ندارد. اما این امر نافی آن

نیست که در این موارد رابطه سببیت بین فعل غیر که غالباً مسئولیت اقداماتش بر عهده خواننده است و ورود ضرر اثبات گردد (بهرامی احمدی، ۱۳۹۳، ص. ۲۳۹). برای مثال در فرضی که ادعا شود صغیر یا مجنون ضرری به دیگری وارد آورده است، برای آنکه بتوان سرپرست را مسئول اعمال ایشان دانست و از وی مطالبه خسارت نمود باید احراز شود که ضرر ناشی از فعل صغیر یا مجنون است.

تدقیق در نمونه‌های اخیر مبین این موضوع می‌باشد که سببیت را نباید صرفاً در ارتباط بین تقصیر یا تخلف از تعهد و خسارت جستجو نمود بلکه در هر موردی که سببی باعث ایجاد مسئولیت گردد این رکن مسئولیت قابل ملاحظه می‌باشد. برخی اساتید هم معتقدند که در مسئولیت‌های مفروض قانونی مانند مسئولیت کارفرما در برابر ثالث زیان‌دیده، شخص مسئول باید برای رهایی از مسئولیت، عدم انتساب مسئولیت به خود و قطع رابطه سببیت را ثابت نماید (قاسم‌زاده، ۱۳۹۰، ص. ۹۱). لذا با مسئولیت‌هایی مواجه می‌شویم که قانون‌گذار به طور مستقیم برای برخی ایجاد نموده است و لزومی به اثبات رابطه سببیت - حداقل میان فعل خواننده و ضرر - نمی‌باشد.

۲-۱. انواع سببیت

بر اساس نوع ارتباطی که بین فعل زیانبار و خسارت به وجود آمده موجود است، رابطه سببیت نیز اقسامی دارد. این تقسیم که کمتر بدان پرداخته شده است، به جنس علیت و نوع سبب موجب ضمان نظر دارد و به سه قسم عرفی، قراردادی و قانونی تقسیم می‌شود.

۱-۲-۱. سببیت عرفی

این نوع از سببیت مهمترین قسم از تقسیم مزبور می‌باشد. برخی در تعریف سبب این‌گونه بیان نموده‌اند که مراد از سبب عاملی است که ضرر مستند به فعل اوست و عرف خسارت را به او نسبت می‌دهد (باریکلو، ۱۳۹۴، ص. ۱۹۵).

سببیت عرفی بدین معنی است که براساس نظر عرف، ضرر وارد شده ناشی از فعل خواننده باشد. در این قسم از سببیت، میان خسارت و اقدامات شخص رابطه‌ای برقرار است که خسارت مزبور از دیدگاه عرف ناشی و معلول آن اقدام به شمار می‌آید. مانند تخلف از تعهد از سوی متعهد و یا برخورد یک اتومبیل با اتومبیل دیگر که در صورت

ایجاد خسارت، عرف آنها را مسئول می‌داند. با وجود آنکه در بخش اعظم از مسئولیت‌های قراردادی نیز، عرف عهدشکن را مسئول جبران خسارت می‌داند و به تعبیری سببیت عرفی بین تخلف از تعهد و خسارت موجود است اما نظر به اینکه ما قسمی دیگر از سببیت را به سببیت قراردادی اختصاص داده‌ایم، لذا در این تقسیم‌بندی سببیت عرفی را مختص به مسئولیت‌های غیرقراردادی می‌دانیم. به عنوان قاعده می‌توان گفت هر گاه مسئولیت ناشی از فعل شخص باشد، برقراری سببیت عرفی بین فعل خوانده و ضرر وارده ضروری است. زیرا با آنکه هر کس باید ضامن اعمال خویش و زیان‌های به‌بارآمده باشد، اما باید توجه داشت که کاری که ایجاد مسئولیت می‌کند می‌بایستی از دیدگاه اکثر جامعه نامتعارف جلوه نماید. لذا در احراز سببیت، قضاوت عرف نقش مهمی ایفا می‌نماید (حیاتی، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۰). به تعبیر برخی اساتید در حقوق مسئولیت مدنی، معیار احراز رابطه سببیت، تفاهم عرفی است؛ یعنی عرف باید بین ضرر و فعل خواننده دعوی، رابطه‌ای تصور نماید (یزدانیان، ۱۳۹۵، ج ۱، ص. ۳۸۳).

بنابراین نظر به موارد فوق و ماده ا.ق.م.م. که بیانگر ضمانت اشخاص در قبال خساراتی که بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به دیگران وارد نماید، می‌توان بیان نمود که در مسئولیت‌های ناشی از فعل شخص که متضمن تقصیر بوده و یا اتلاف صورت پذیرفته باشد، رابطه سببیت عرفی برقرار است. چرا که در خصوص اتلاف نیز انتساب علت تلف به فعل مسئول و برقراری رابطه علیت عرفی شرط ضروری ضمان قهری می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص. ۱۵۹).

۱-۲-۲. سببیت قراردادی

در بیان سببیت قراردادی گفته شده است که اولاً، باید بین زیان دیده و شخصی که ضرری وارد آورده قرارداد نافذی وجود داشته و ثانیاً، خسارت باید در نتیجه عدم اجرای قرارداد پدید آمده باشد (بهرامی احمدی، ۱۳۹۳، ص. ۷۵). همان‌گونه که پیشتر بیان نمودیم در چنین مواردی، عرف مسئولیت جبران خسارت را معطوف به ناقض قرارداد می‌داند ولی با توجه به وجود قرارداد و مینا قرار گرفتن آن در روابط بین طرفین دعوای خسارت، سببیت مسئولیت از قسم قراردادی می‌باشد.

اما نوع دیگری از سببیت قراردادی موجود است که با وجود ناشی بودن از فعل شخص و نیز رابطه قراردادی، فعل خواننده همراه با تقصیر و یا رابطه مادی اعم از فعل یا ترک فعل نبوده و صرفاً به دلیل قراردادی، شخص مسئول قلمداد می‌گردد. برای نمونه در ماده ۶۴۲ ق.م. آمده است که بر مستعیر می‌توان شرط ضمان نمود. در اثر شرط مزبور، مستعیر ضامن و مسئول جبران تلف و نقص مال مورد عاریه می‌گردد بدون اینکه در نقص یا تلف واقع شده دخالتی داشته باشد.

یا در فرضی که فروشنده با حسن نیت کالای معیّب، فسخ معامله از سوی خریدار ناآگاه را متحمل می‌شود، با وجود اعتقاد برخی بر قانونی بودن سببیت این ضمان به دلیل مبتنی بودن آن بر اجرای قاعده لاضرر (نقل از: مامقانی، ۱۳۵۰، ص. ۱۰۴)، اما عقیده غالب این امر را ناشی از بنای طرفین در عقد و وجود شرط ضمنی سلامت موضوع به عنوان وصف مبیع دانسته‌اند (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۵، ص. ۲۷۱) و یا در صورتی هم که مسئول پرداختن ارزش به خریدار می‌گردد، باید پذیرفت که ارزش جزئی از ثمن نیست که به دلیل بطلان بیع پرداخت شود (امامی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص. ۵۷۳). در واقع تکمیل‌کننده مبیع معهود می‌باشد که باید به خریدار تسلیم گردد (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۵، ص. ۳۹۴). لذا چه در فرض تحمل فسخ قرارداد و چه در حالت پرداخت ارزش، مسئولیت فروشنده ناشی از سبب قراردادی می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص. ۱۰۶).

۱-۲-۳. سببیت قانونی

در این قسم از سببیت، برخلاف سببیت عرفی که قانون‌گذار براساس قضاوت عرف، شخصی را مسئول جبران خسارت می‌داند، مسئولیت از سوی قانون‌گذار بر عهده کسی قرار می‌گیرد که عرف او را چندان مسئول نمی‌داند. به تعبیری، براساس معیار عرف شخصی مسبب خسارت است، ولی قانون‌گذار شخص دیگری را مسئول جبران خسارت می‌داند (حیاتی، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۰).

برای نمونه در خصوص خسارتی که در جریان کار و از فعل زیانبار کارگر به دیگری وارد می‌آید، ممکن است عرف تنها کارگر را مسئول قلمداد نماید، ولی قانون‌گذار بنا به دلایلی، علاوه بر رابطه سببیت عرفی مزبور، سببیت قانونی دیگری نیز بین خسارت وارده و فعل کارفرما برقرار نموده و او را مسئول جبران خسارت معرفی می‌نماید (ماده ۱۲

ق.م.م.) بنابراین با توجه به اینکه دلیل مسئولیت چنین شخصی در جبران خسارت زیان‌دیده تنها حکم مستقیم قانون‌گذار می‌باشد، ضمان مذکور را معلول سببیت قانونی می‌دانیم.

در حقوق ایران برخی از حقوق‌دانان مفهوم ماده ۱۲ ق.م.م. را بر اساس تسبیب توجیه نموده‌اند. بدین ترتیب که نقش کارفرما در اداره کارگاه یا کارخانه قوی‌تر از نقش کارگر است فلذا سبب اقوی از مباشر می‌باشد (بهرامی احمدی، ۱۳۹۳، ص. ۴۷۷). ولی عده‌ای دیگر از اساتید بر این نظر اشکال نموده و گفته‌اند، کارگر مشمول قانون کار فاعلی عاقل و مختار است و ظاهراً عرف او را قوی‌تر از کارفرما به شمار می‌آورد. همچنین اگر مسئولیت کارفرما به علت اقوی بودن سبب از مباشر باشد، این مسئولیت ناشی از فعل غیر نیست و امکان رجوع به کارگر نباید وجود داشته باشد، در حالی که ماده ۱۲ ق.م.م. این امر را پیش‌بینی کرده است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳، ص. ۳۱۶).

همچنین در حقوق ایران نمی‌توان تقصیر کارگر را رکن تحقق مسئولیت کارفرما دانست. زیرا آنچه که از مفاد ماده ۱۲ برمی‌آید آن است که زیان‌دیده برای مراجعه به کارفرما نیازی به اثبات تقصیر کارگر ندارد حتی اثبات بی‌تقصیری کارگر نیز از سوی کارفرما باعث معافیت وی از مسئولیت نمی‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص. ۵۴۵). با این حال ضرر باید متناسب به کارگر باشد.

یکی دیگر از مصادیق مهم سببیت قانونی، در خصوص مسئولیت سرپرستان صغار و مجانین است که در ماده ۷ ق.م.م. به آن اشاره شده است. قانون‌گذار در مواردی که زیانی از ناحیه مجنون یا صغیر به دیگری وارد می‌شود، برای سرپرست وی که در نگهداری یا مواظبت از آنها تقصیر کرده باشد، مسئولیت جبران خسارت قرار داده است. با وجود آنکه چنین مسئولیتی برای سرپرست با توجه به ظاهر این ماده بر مبنای اثبات تقصیر وی می‌باشد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳، ص. ۳۴۳). اما به نظر می‌آید عرف تعهد سرپرست را در نگهداری و مواظبت، ناظر به نتیجه دانسته فلذا باید آن را مبتنی بر فرض تقصیر دانست (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص. ۵۵۷).

با این وجود زیان‌دیده در صورتی می‌تواند از سرپرست تقاضای جبران خسارت نماید، که ارکان تحقق مسئولیت مدنی را ثابت نماید. البته در این خصوص، زیان‌دیده باید سببیت عرفی ورود خسارت توسط صغیر یا مجنون را ثابت نماید که پس از این اثبات،

به حکم قانون سببیت قانونی میان تقصیر مفروض سرپرست و زیان وارده برقرار می‌گردد (حیاتی، ۱۳۹۲، ص. ۲۸۸). قرینه «استطاعت جبران تمام یا قسمتی از ضرر» مذکور در ماده ۷ق.م.م. دلیلی بر این مدعاست که با وجود تقصیر سرپرست، امکان مراجعه به صغیر و مجنون وجود دارد؛ لذا مسئولیت این‌ها همزمان بوده و البته به اسباب مختلف. باید توجه داشت که فقدان تقصیر، شرط تحقق چنین مسئولیت‌هایی نمی‌باشد؛ چراکه ممکن است مسئولیت‌هایی که با سبب قانونی به وجود می‌آیند، بدون تقصیر و یا مبتنی بر تقصیر هم باشند که البته در حالت اخیر نیز معمولاً خصوصیات آنها متفاوت از خصوصیات مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیر ماده ۷ق.م.م. است (امیری قائم مقام، ۱۳۸۵، ص. ۲۶۳).

مسئولیت مذکور برای سرپرست در بند ۱ ماده ۱۷۳ ق.م. مصر نیز مطرح شده است که بیان می‌دارد: «شخصی که به موجب قانون یا توافق قیم شخص نیازمند سرپرستی به علت صغر سن یا به سبب وضعیت عقلی یا جسمی شده، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل نامشروع او به اشخاص ثالث است...». همچنین اشاره بند ۳ این ماده به این امر که سرپرست با اثبات حسن انجام وظیفه و عدم تقصیر از مسئولیت مبرا است، مبنی پذیرش مبنای فرض تقصیر می‌باشد.

بنابراین ملاحظه می‌گردد که در این نوع مسئولیت نیز مانند مسئولیت مدنی کارفرما، موجب ضمان سرپرست، سببیت عرفی نبوده و حکم قانون‌گذار سبب ایجاد آن شده است. به تعبیری ضرر قانوناً به فعل سرپرست استناد دارد نه عرفاً (حیاتی، ۱۳۹۲، ص. ۲۹۰). لازم به ذکر است که در کنار مقرر ماده ۷ق.م.م.، ماده ۲۱۶ق.م. نیز بیان داشته است: «هر گاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر شود ضامن است». این دو ماده تعارضی با یکدیگر نداشته و زیان‌دیده می‌تواند از هر یک از دو ضامن برای جبران خسارت خود استفاده کند؛ از صغیر یا مجنون به استناد ماده ۲۱۶ق.م. و از سرپرست وی به استناد ماده ۷ق.م.م. (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص. ۳۹۹).

۲. مسئولیت ضمیمه‌ای

مسئولیت ضمیمه‌ای، قسمی از تعهدات است که در آن با روابط متعددی مواجه می‌باشیم که با وجود وحدت موضوع دین (وحدت محل)، منشأ آنها متفاوت و متعدد می‌باشد (سنهوری، ۲۰۰۹م، ج ۳، ص. ۲۸۶).

در بند ۲ ماده ۷۹۲ قانون مدنی مصر آمده است: «معهدا اگر ضامن‌ها، همان دین را با عقود متوالی پذیرفته باشند، هر ضامن مسئول کل دین است، مگر اینکه بستانکار حق تقسیم مسئولیت بین ضامن‌ها را برای خود حفظ کرده باشد». بر اساس این ماده، ممکن است ضامن‌های متعددی، هر یک با قرارداد مستقلی، موضوع واحد دینی را ضمانت نمایند که ماحصل آن ایجاد روابط متعددی میان ضامن‌های مستقل و طلبکار خواهد بود. در واقع قراردادهای متعدد ضمان که توسط ضامن‌ها با مضمون له منعقد شده و در ضمن آنها دینی با موضوع واحد مورد ضمان قرار گرفته است، سبب می‌شود که شاهد روابطی متعدد با اسباب مختلف و موضوع واحد باشیم که بیانگر مسئولیت ضمیمه‌ای می‌باشد.

لذا در مسئولیت ضمیمه‌ای ممکن است چند نفر، چند فعل جداگانه را مرتکب شده و از این طریق خسارتی را بر دیگری وارد آورند که موضوع آن واحد باشد؛ بر اساس آن هر یک از متعهدین، مدیون کل بوده و ذمه‌های آنها ضمیمه یکدیگر می‌شود، بدون آنکه بین آنها رابطه تضامنی وجود داشته باشد (یزدانیان، ۱۳۹۵، ج ۱، ص. ۵۷۶).

ضمیمه‌ای خواندن چنین مسئولیتی مبتنی بر این امر است که در ضمان متعهدین نسبت به یک دین، ذمه آنها در این دین واحد، به یکدیگر ضمیمه شده است (سنه‌وری، ۲۰۰۹م، ج ۳، ص ۲۸۶).

برخی حقوقدانان از چنین مسئولیتی با عنوان «مسئولیت جمعی» یاد نموده‌اند و آن را حاوی چند تعهد با موضوع واحد دانسته‌اند که بر عهده چند مدیون قرار می‌گیرد و هر مدیون تعهد خاص خویش را دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص. ۲۲۷).

یکی از مسائل مهمی که در مسئولیت ضمیمه‌ای مطرح می‌باشد آن است که تعهدات ذیل آن ناشی از اقتضای طبیعت شیء می‌باشد؛ بدین معنی که هر تعهدی مقتضی آن است که متعهد آن در قبال دائن مسئول دین قرار گیرد که در صورت وحدت موضوع دین، به دلیل وجود اسباب تعهد مختلف، همه مدیونین مسئول دین واحدی خواهند بود (سنه‌وری، ۲۰۰۹م، ج ۳، ص. ۲۸۷) و بر آن اساس طلبکار می‌تواند برای کل دین به چند مسئول مراجعه نماید (یزدانیان، ۱۳۹۵، ج ۱، ص. ۵۷۶).

مثال روشن در خصوص مسئولیت ضمیمه‌ای، فرضی است که شخصی مسئولیت خود نسبت به جبران خسارت ناشی از فعالیتی را بیمه نماید. در این صورت، هر گاه خسارتی از فعل زیانبار بیمه‌گذار به وجود آید، زیان‌دیده می‌تواند هم به بیمه‌گر و هم به

عامل فعل زیانبار (بیمه‌گذار) مراجعه نماید. به تعبیر اساتید، زیان‌دیده بر اساس عقد بیمه به بیمه‌گر و بر اساس قواعد عمومی مسئولیت مدنی به بیمه‌گذار می‌تواند مراجعه نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص. ۲۲۷؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۵۷، ص. ۸۶۱).

امکان رجوع مسئولین به یکدیگر پس از پرداخت دین به دائن، موضوعی است که در مسئولیت ضمیمه‌ای، نظر به تعدد اسباب تعهدها و فقدان مصلحت مشترک و نیز عدم برقراری رابطه نمایندگی، پذیرش آن با تردید همراه است.

لذا با وجود قول اقوی در خصوص عدم امکان رجوع به سایر مسئولین توسط مسئولی که وفای به عهد نموده است به این دلیل که دین خویش را ادا نموده و برای ادای دین خود نمی‌توان به سایرین رجوع کرد (یزدانیان، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۳)، هر گاه در مسئولیت ضمیمه‌ای، یکی از مسئولین به سبب فعل زیانبار، مسئول جبران خسارت باشد و دیگری با حکم قانون‌گذار مسئول فرض شود، باید پذیرفت که مرتکب فعل زیانبار مدیون واقعی بوده و با جبران خسارت، دین خود را پرداخته است. بنابراین پس از آنکه زیان‌دیده به وی مراجعه نمود و پرداخت خسارت صورت پذیرفت، با توجه به اینکه مسئول یا مسئولین دیگر در فرض مطروحه، دین واقعی بر ذمه ندارند، حق مراجعه از سوی مدیون واقعی به آنها وجود نخواهد داشت (یزدانیان، ۱۳۹۵، ج ۱، ص. ۵۸۹). اما اگر مسئولی که به حکم قانون، متعهد است مورد مراجعه زیان‌دیده واقع شد، پس از پرداخت خسارت می‌تواند به مدیون واقعی مراجعه نماید.

اما در فرضی دیگر، هر گاه اشخاص با ارتکاب اعمالی زیانبار و یا نقض تعهد، به صورت مستقل سبب ورود ضرری واحد شوند، مسئولیت ضمیمه‌ای به وجود آمده به گونه‌ای است که مسئولین در آنها، مدیون واقعی هستند نه اینکه بنا به مصلحت و حکمت قانون‌گذار و جهت رعایت وضع اقتصادی مسئول زیان یا متضرر، مسئول قلمداد شده باشند. لذا نظر به اینکه در فرض مذکور، دو عمل متفاوت سبب یک خسارت شده‌اند و فعل هر یک بدون تاثیر عمل دیگری نیز برای کل خسارت کافی بوده است، لذا زیان‌دیده اختیار داشته یکی را برگزیند و مستند به خطای او، همه خسارت را از وی مطالبه نماید. پس مسئولی که کل دین را پرداخت نموده، در واقع دین خود را اداء نموده است نه دین دیگران را (یزدانیان، ۱۳۹۵، ج ۱، ص. ۵۹۰).

باید متذکر شد که چنین مسئولیتی را نباید با مسئولیت اشتراکی که دو نفر طی یک قرارداد در مقابل شخصی بالمناصفه به پرداخت مبلغی متعهد می‌شوند یکسان پنداشت. یکی از مصادیق فقهی مسئولیت ضمیمه‌ای، بحث مربوط به ضمان ایادی متعاقبه در غصب می‌باشد. در فرضی که غاصبی عین مغضوب را از غاصبی دیگر غصب می‌نماید، تمام احکام غصب در خصوص وی نیز جاری می‌شود بدون اینکه علم و جهل او تأثیرگذار باشد (ماده ۳۱۶ ق.م.). اما در این خصوص که چگونه ممکن است دو نفر یا بیشتر نسبت به مالی که تلف شده است (فرض تلف مال مغضوب)، در مقابل صاحب آن، مستقلاً اشتغال ذمه به بدل آن (مثل یا قیمت) داشته‌باشند، در میان فقها مباحث و اختلافات مفصلی مطرح است. قدر متیقن در ادبیات فقها پیرامون این موضوع، تکیه بر وحدت موضوع دین در ضمان غاصبان و ایجاد روابط متعدّد می‌باشد (طباطبایی یزدی، ۱۳۹۵، ص. ۱۸۴؛ رشتی، بی‌تا، ص. ۱۱). اما برخی از فقها در این خصوص بیان می‌دارند که دلیل ضمان غاصبان آن است که همه آنها مخاطب شارع به رد عین و یا بدل آن می‌باشند (علی الید ما أخذت حتی تودی) نهایت آنکه ضمان بر ذمه‌ای قرار می‌گیرد که مال مغضوب در ید او تلف شده است (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۳۷، ص. ۳۴). همچنین برخی حقوقدانان نیز حکم ماده ۳۱۶ ق.م. را مبتنی بر این قاعده می‌دانند که خطاب قانون‌گذار بر اینکه تمام اشخاصی که دست نامشروع بر مال دیگری دارند ضامن رد عین و منافع و بدل آنها می‌باشند، به همه کسانی است که از راه نامشروع بر مال دیگری استیلا یافته‌اند و به غاصب اول محدود نمی‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۲، ص. ۹۳).

امکان رجوع طلبکار به همه ضامنان و نیز برائت همه مسئولین پس از وفای به عهد توسط یکی از آنان، آثار مسئولیت ضمیمه‌ای می‌باشد که اولی مبتنی بر وحدت و یکسانی موضوع تعهد و دومی نیز بر مبنای فقدان نفع در اقامه دعوی از سوی زیان‌دیده علیه سایر مسئولین پس از جبران یکی از مسئولین می‌باشد (یزدانیان، ۱۳۹۵، ج ۱، ص. ۵۸۴).

۳. تعدّد اسباب

یکی از مباحثی که ذیل موضوع سببیت مطرح می‌شود، تعدّد اسباب است. آنچه که در تعدّد اسباب مورد بررسی قرار می‌گیرد آن است که ممکن است در ورود ضرر، اسباب گوناگونی مؤثر باشند. اهمیت این موضوع از آن حیث است که هر گاه سببی واحد

موجب ورود ضرر شود، احراز رابطه سببیت بین آن و ضرر وارده، امری پیچیده نخواهد بود چرا که همان امر سبب ورود خسارت محسوب می‌شود. ولی مواجهه با اسباب متعدّد در ورود ضرر، حالات مختلفی را پدید می‌آورد. حالات مطروحه در فرض تعدّد اسباب را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود. در حالت نخست، این اسباب با یکدیگر اجتماع نموده و منبع واحدی را تشکیل می‌دهند. چنین اجتماعی می‌تواند به نحو طولی یا عرضی پدید آید. اساتید حقوق فرض تعدّد اسباب را صرفاً معطوف به چنین حالتی نموده و نظریات مختلفی که در فقه و حقوق مطرح است را ذیل آن مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند (بهرامی احمدی، ۱۳۹۳، ص. ۲۴۵؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳، ص. ۲۱۲؛ باریکلو، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۴).

اما در حالت دوم، اسباب مذکور از یکدیگر استقلال داشته و منبع واحدی را تشکیل نمی‌دهند. بدین نحو که بین خسارت وارده و اسباب استقلالی، رابطه سببیت جداگانه برقرار می‌باشد و هر علت مستقلاً سبب ضمان می‌باشد. بر این اساس در چنین مواردی، ارکان مسئولیت در یکایک این اسباب استقلالی جاری و مسئولیت‌های متعدّد ایجاد می‌شود. برخی حقوقدانان فرانسوی چنین تحلیلی را مبتنی بر این برداشت از رابطه سببیت می‌دانند که بر اساس آن، هر مباشر مسبب کل خسارت است و نه مسبب بخشی از آن (ژوردن، ۱۳۹۴، ص. ۲۱۳).

بعضی اساتید از سببیتی یاد نموده‌اند که در آن اعمالی مستقل و جداگانه از ناحیه چند فاعل صورت پذیرفته و هر یک از این اعمال به تنهایی کافی برای وقوع زیان وارده می‌باشند و از آن تحت عنوان «سببیت متقارن» یاد نموده‌اند که متفاوت از «سببیت مشترک» می‌باشد. در سببیت مشترک اسباب متعدّد در حال اجتماع سبب ورود خسارت می‌شوند (امیری قائم مقام، ۱۳۸۵، ص. ۲۵۸).

همان‌گونه که در فوق بیان گردید، چه اسباب استقلالی و چه اسباب اجتماعی، زیرشاخه‌های تعدّد اسباب می‌باشند. اما نکته مهم آن است که نباید این اسباب را مختص به سبب‌هایی مانند تقصیر و اسباب مادی و فیزیکی دانست. چراکه همان‌گونه که پیشتر بیان شد، اسباب قراردادی و نیز قانونی هم می‌توانند موجب مسئولیت شوند.

آنچه که در ایجاد مسئولیت مهم و اساسی می‌باشد آن است که ضرر، انتساب عرفی،

قانونی و یا قراردادی با سببی داشته باشد تا بتوان آن سبب را مسئول دانست. تفاوت آنها صرفاً در خصوص اثبات رابطه سببیت می باشد. یعنی در سبب عرفی، زیان دیده باید رابطه سببیت را ثابت نماید حال آنکه در سبب قانونی، منتسب بودن ظاهری ضرر به خواننده یا به تعبیری استناد قانونی ضرر به فعل خواننده کافی می باشد (حیاتی، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۱).

ماده ۱۲ ق.م.م. نمونه‌ای از سبب قانونی و ماده ۶۴۲ ق.م. نمونه‌ای از سبب قراردادی و قواعد عمومی مسئولیت مدنی از قبیل قاعده اتلاف نیز بیانگر سبب عرفی می باشند. لازم به ذکر است که تنها برخی از حقوقدانان (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص. ۴۶۱)، با وجود آنکه به موضوع اسباب استقلالی نپرداخته‌اند، اما در طرح بحث اسباب طولی و عرضی، به درستی و با دقت در معنا، از عنوان اجتماع اسباب استفاده نموده و آن را مترادف با تعدد اسباب ندانسته‌اند.

با توجه به مسائلی که در خصوص انواع سببیت‌ها در مسئولیت مدنی و نیز مفهوم مسئولیت ضمیمه‌ای ارائه نمودیم، برای بیان ارتباط این دو موضوع، به بررسی مصادیقی از مسئولیت ضمیمه‌ای براساس ملاک تعدد اسباب استقلالی می پردازیم.

۳-۱. سبب قانونی و فعل زیانبار

یکی از مصادیق این قسم از مسئولیت، مسئولیت کارفرما و کارگر در برابر زیان دیده می باشد. ماده ۱۲ ق.م.م. مقرر می دارد: «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است مگر اینکه محرز شود تمام احتیاط‌هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می نموده، بعمل آورده یا اینکه اگر احتیاط‌های مزبور را بعمل می آوردند باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی بود. کارفرما می تواند به واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید».

ماده فوق که مقتبس از ماده ۵۵ قانون تعهدات سوییس می باشد، کارفرما را مسئول خساراتی می داند که کارگران به مناسبت انجام کار خود، به دیگران وارد آورده‌اند. فارغ از مسائلی که به عنوان شرایط تحقق مسئولیت کارفرما از قبیل معیار شناسایی کارگران و ورود زیان به هنگام کار یا به مناسبت آن مطرح می باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص. ۵۳۹). مسئله مهم، وضع چنین مسئولیتی در کنار مسئولیت کارگر خطاکار می باشد. ماده

اق.م.م. مسئولیتی عمومی برای هر خطاکاری را مقرر داشته است که کارگر نیز از آن مستثنی نمی‌باشد. لذا مسئولیت کارفرما براساس ماده ۱۲ اق.م.م. منافاتی با مسئولیت کارگر بر اساس ماده ۱ این قانون نخواهد داشت. علاوه بر این، با توجه به قسمت اخیر ماده ۱۲ که برای کارفرما حق مراجعه به کارگر را مقرر داشته‌است، محروم ساختن زیان‌دیده از مراجعه مستقیم به کارگر مسئول، نقض غرض محسوب می‌شود و فاقد توجیه عقلی و قانونی است (امینی، ۱۳۷۹، ص. ۱۰۶). با نگاهی به هدف قانون‌گذار از وضع ماده ۱۲ که سعی داشته ضرری بلاجبران باقی نماند و زیان‌دیدگان با خطرات اعسار کارگران روبرو نشوند، درمی‌یابیم که مقنن سعی در افزودن تعدد مسئولان داشته است و این نباید باعث معافیت کارگر خطاکار از مسئولیت عمومی ماده ۱۲ اق.م.م. برای خطاکاران قلمداد شود. البته در این خصوص برخی حقوقدانان، مسئولیت کارگر خطاکار و کارفرما را در برابر زیان‌دیده، تضامنی قلمداد نموده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص. ۵۴۸). حال آنکه اختیار زیان‌دیده در استناد به ماده ۱۲ اق.م.م. و مراجعه مستقیم به کارگر و یا مطالبه خسارت از کارفرما بر مبنای ماده ۱۲ این قانون، به معنی مسئولیت تضامنی نمی‌باشد. زیرا سبب مسئولیت کارگر خطاکار، مسئولیت شخصی وی و فعل زیانبار است و سبب مسئولیت کارفرما، مسئولیت ناشی از فعل غیر و سببیت قانونی می‌باشد و این متفاوت از مسئولیت تضامنی می‌باشد که منشأ خسارت در آن الزاماً واحد است.

همچنین قانون بیمه اجباری خسارت وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه ۱۳۹۵ نیز مصداقی دیگر از مسئولیت ضمیمه‌ای ناشی از تعدد استقلالی اسباب را مطرح نموده است.

مطابق ماده ۲ این قانون، دارندگان وسایل نقلیه مکلف به بیمه وسایل نقلیه خود در قبال خسارات بدنی و مالی شده‌اند. مسئولیت بیمه‌گر به جبران خسارت‌های مالی وارد شده به اشخاص ثالث که در ماده ۹ و نیز بند «الف» ماده ۴ این قانون به آن تصریح شده است، ناشی از سببیت قراردادی می‌باشد که بین بیمه‌گذار (دارنده) و بیمه‌گر منعقد شده است. تبصره ۲ ماده ۲ قانون مذکور، تمهیدات مقرر را نافی مسئولیت شخصی که حادثه مستند به فعل یا ترک فعل اوست، نمی‌داند. لذا راننده خطاکار که با فعل زیانبار خود سبب بروز حادثه شده‌است نیز در مقابل زیان‌دیده مسئولیت خواهد داشت. این امر به طور

صریح در بند «الف» ماده ۴ همین قانون آمده است:

«الف. در صورتیکه وسیله نقلیه سبب حادثه، دارای بیمه‌نامه موضوع این قانون باشد، جبران خسارت‌های وارد شده در حدود مقررات این قانون به عهده بیمه‌گر است. در صورت نیاز به طرح دعوی در خصوص مطالبه خسارت، زیان‌دیده یا قائم‌مقام وی دعوی را علیه بیمه‌گر و مسبب حادثه طرح می‌کند...».

اما آنچه که در خصوص تعدد اسباب قانونی و فعل زیانبار در این قانون ملاحظه می‌شود، مربوط است به تحمیل مسئولیت بر صندوق تأمین خسارت‌های بدنی در ماده ۲۱، که در موارد مصرح در این ماده از جمله فقدان یا انقضای بیمه‌نامه، جبران خسارت‌های بدنی وارده به اشخاص ثالث را به عهده دارد. در چنین مواردی که صندوق، خسارت‌های بدنی را جبران می‌نماید، بند «ب» ماده ۴ قانون بیمه اجباری، مسئولیت راننده مسبب حادثه را نیز پیش‌بینی نموده است. البته پیش‌بینی مزبور جنبه تأکید دارد، چراکه این امر به سبب فعل زیانبار وی و سببیت عرفی برقرار شده، بدیهی می‌باشد. بند «ب» ماده ۴ مقرر می‌دارد:

«ب. در صورتی که وسیله نقلیه، فاقد بیمه‌نامه موضوع این قانون یا مشمول یکی از موارد مندرج در ماده ۲۱ این قانون باشد، خسارت‌های بدنی وارده توسط صندوق با رعایت ماده ۲۵ این قانون جبران می‌شود. در صورت نیاز به طرح دعوی در این خصوص، زیان‌دیده یا قائم‌مقام وی دعوی را علیه راننده سبب حادثه و صندوق طرح می‌کند.».

بنابراین زیان‌دیده می‌تواند بر مبنای فعل زیانبار راننده خطاکار به وی مراجعه نماید و نیز بر اساس سبب قانونی قانون بیمه اجباری ۱۳۹۵ که بر صندوق تأمین خسارت‌های بدنی تحمیل مسئولیت نموده است، علیه صندوق طرح دعوی نماید. به تعبیر اساتید، قانون بیمه اجباری در برابر ماده ۳۳۵ق.م. و ماده ۱ق.م.م، استقلال داشته و این امر موجب مسئولیت برای هر دو مسئول خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص. ۶۳۰).

۲-۳. سبب قراردادی و فعل زیانبار

یکی از مصادیق این قسم از مسئولیت ضمیمه‌ای، مسئولیت متصدی حمل و نقل و مسئولیت فاعل فعل زیانبار در برابر زیان‌دیده یا مالک کالا می‌باشد. مواد ۳۸۶ و ۳۸۸

قانون تجارت که از مواد ۴۴۷ و ۴۴۸ و ۴۴۹ قانون تعهدات سوییس اقتباس شده است (اشتری، ۱۳۵۸، ص. ۵۲). برای متصدی حمل و نقل در برابر صاحب کالا، تعهدی در نظر گرفته است که ناظر به نتیجه کار است و از نوع تعهد به نتیجه می‌باشد و حتی در صورت واگذاری مباشرت امر به دیگری، مسئولیت سالم رسانیدن کالا همچنان با اوست (امینی، ۱۳۷۹، ص. ۹۹). چنین مسئولیتی برای متصدی حمل و نقل به نوعی تضمین ایمنی می‌باشد؛ فلذا در صورت تلف یا نقص کالا، متصدی مسئول است مگر آنکه ثابت نماید علت خارجی و قوه قاهره سبب آن شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص. ۱۹۷). اما در صورتی که اشخاصی غیر از متصدی حمل و نقل، مباشر یا مسبب تلف یا نقص کالا گردند، مسئولیت عاملین مستقیم زیان، از باب اتلاف یا تسبیب می‌باشد (امینی، ۱۳۷۹، ص. ۱۰۸). لذا ماده ۱۰۸ ق.م.م. و نیز ماده ۳۲۸ ق.م.م. در باب اتلاف و مواد ۳۳۳ و ۳۳۴ ق.م.م. در خصوص تسبیب، مبنای مراجعه زیان‌دیده به اشخاص غیر از متصدی می‌باشد.

بنابراین در فرض مذکور، دو مسئولیت مستقل پدید می‌آید. رابطه زیان‌دیده یا مالک کالا با متصدی که بر مبنای قرارداد است و رابطه وی با مباشرین زیان که بر مبنای قواعد عمومی مسئولیت می‌باشد. لذا مالک کالا می‌تواند بر مبنای سبب قراردادی و مواد ۳۳۶ و ۳۳۸ قانون تجارت به متصدی حمل و نقل مراجعه نماید و همچنین بر مبنای سبب فعل زیانبار و عموماً مسئولیت و مواد ۱۰۸ ق.م.م. و ۳۲۸ و ۳۳۳ و ۳۳۴ ق.م.م. به فاعل فعل زیانبار برای مطالبه خسارت رجوع نماید.

نظیر چنین مسئولیتی، در خصوص ضمان مستعیری که بر وی شرط ضمان شده باشد و البته هیچ تعدی و تفریطی ننموده باشد و مسئولیت ثالثی که مرتکب فعل زیانبار بر مال مورد عاریه شده و موجب خسارتی گردیده، قابل طرح است. قانون مدنی در ماده ۶۴۲ به تبعیت از رأی فقها (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۲۷، ص. ۱۸۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۴ ق.م.م. ص. ۱۵۴؛ کاشف الغطاء، ۱۳۵۹، ص. ۵۲؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ ق.م.م. ص. ۷۸)، شرط ضمان بر مستعیر را پذیرفته است. نتیجه چنین شرطی، ضمان مستعیر با وجود عدم تعدی و تفریط می‌باشد. حال در فرضی که مورد عاریه توسط ثالثی تلف شود یا خسارتی بر آن وارد آید، مالک (معیر) می‌تواند با استناد به سببیت قراردادی به مستعیر ضامن مراجعه نماید و یا اینکه حق مطالبه خسارت از فاعل فعل زیانبار (ثالث) را با استناد به سببیت مادی و عرفی

و قواعد عمومی مسئولیت مدنی خواهد داشت.

در حقوق مصر نیز در فرضی که کارگر کارخانه‌ای در مدت قرارداد خود، با تحریک از سوی مالک کارخانه رقیب، نقض قرارداد نموده و به استخدام کارخانه رقیب درمی‌آید و موجب ورود خسارت به کارفرمای اول می‌شود، مسئولیت پدید آمده را از نوع ضمیمه‌ای می‌نامند. چراکه کارگر به سبب قراردادی مسئول جبران خسارت است و مالک کارخانه رقیب نیز به دلیل خطای ارتكابی و فعل زیانبار. لذا هر دو آنها مسئول جبران کامل ضرر وارده بر کارفرمای اول می‌باشند بدون اینکه بین آنها تضامنی وجود داشته باشد (الدهبی، ۱۹۶۸م، ص. ۵۸).

۳-۳. اسباب قراردادی

یکی دیگر از اشکال ایجاد مسئولیت ضمیمه‌ای بدین گونه است که با قراردادهای مختلف، چند شخص مسئولیت‌های مختلفی در قبال دین واحد بپذیرند. در این خصوص یکی از مصادیق مهم و قابل بحث، تعدد ضمانت‌ها از یک دین و به قید شمول تمام دین می‌باشد. در ماده ۶۸۲ ق.م. بیان شده است که ضمانت هر کدام از ضامن‌ها که مضمون‌له قبول نماید صحیح است، ولی در خصوص فرض قبول همه ضمانت‌ها پیش‌بینی نشده است. اما در فقه پیرامون این موضوع دیدگاه‌های مختلفی مطرح است (حسینی عاملی، بی تا، ص. ۳۹۲).

یکی از این عقاید که منجر به پیدایش مسئولیت ضمیمه‌ای بین ضامن‌ها می‌شود، آن است که همه ضامن‌ها صحیح بوده و مضمون‌له امکان رجوع به هر یک از ضامن‌ها را برای تمام دین خواهد داشت (طباطبایی یزدی، ۱۳۹۵، ص. ۵۹۳).

با وجود آنکه عقیده مخالف، با این استدلال که قبول ضمانت‌های متعدّد از یک دین، با اصل نقل ذمه منافات دارد و انتقال دین به ذمه هر یک از آنان باعث عدم انتقال به ذمه دیگران می‌باشد، اما در پاسخ به این ایراد می‌توان گفت اصل نقل ذمه مبیّن براءة ذمه مضمون‌عنه و انتقال دین از ذمه بدهکار به ذمه ضامن می‌باشد که منافاتی با انتقال تمام دین به ذمه چند ضامن نخواهد داشت. علاوه بر این اصل آزادی قراردادهای و نیز اصل صحت، نفوذ چنین ضمانتی را تأیید می‌نماید (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ص. ۳۳۷).

ماده ۵۹۶ ق.م. مصر نیز که در باب واگذاری اجاره می‌باشد، در بند اول بیان می‌دارد:

«مستأجر دوم، ملزم است مبالغی را که در زمان اخطار مؤجر به مستأجر اصلی، به وی بدهکار است، به طور مستقیم به مؤجر بپردازد». بر این اساس مؤجر می‌تواند اجاره‌بها را از هر یک از مستأجر اصلی به موجب عقد اجاره اصلی و مستأجر ثانی بنا به قرارداد اجاره دوم مطالبه نماید که به نوعی اعطای دعوی مستقیم به مؤجر در قبال مستأجر دوم می‌باشد. لذا عناصر لازم در مسئولیت ضمیمه‌ای در این خصوص پدید می‌آید. دین واحد که همان اجاره‌بها می‌باشد و روابط متعدّد که همان رابطه مستأجر اصلی با مؤجر و نیز رابطه مستأجر دوم با مؤجر می‌باشد. همچنین دو سبب متفاوت قراردادی که قرارداد اصلی اجاره و قرارداد دوم اجاره باشد، وحدت موضوع و تعدد اسباب را تشکیل می‌دهند (سنه‌وری، ۲۰۰۹م، ج ۳، ص. ۲۹۳).

همچنین در مصداقی دیگر از این قسم مسئولیت ضمیمه‌ای، مقترضی عینی را که قرض نموده است، می‌فروشد و بر خریدار شرط می‌کند ثمن مبیع را از باب وفای به قرض به مقترض رد نماید. در اینجا دو شخص مسئول وفای به قرض می‌باشند؛ یکی مقترض که مسئولیت او به سبب عقد قرض است و دیگری خریدار که مسئولیتش به سبب عقد بیعی می‌باشد که مشتمل بر تعهد به نفع ثالث است. لذا با موضوع دین واحد و تعدد اسباب مواجه می‌باشیم که بیانگر مسئولیت ضمیمه‌ای است نه تضامنی (سنه‌وری، ۱۹۳۸م، ص. ۵۱۵).

نتیجه‌گیری

تدقیق در معنای تعدد اسباب که از مباحث ذیل عنوان سببیت می‌باشد، مبین این امر است که آنچه به عنوان تعدد اسباب در کتب حقوقی مورد بحث قرار می‌گیرد مربوط به فرض اجتماع اسباب گوناگون در ایجاد ضرر واحد می‌باشد؛ اما فرض دیگری نیز متصور است که در ارتباط با خسارتی، شاهد سببیت‌های متعددی اعم از عرفی، قراردادی و یا قانونی باشیم که هر یک از آنها به گونه مستقل و در کنار سایر عناصر مسئولیت، جامع ارکان مسئولیت باشند. با این توضیح که علاوه بر سببیت عرفی که در اسباب ضمان قهری ملاک انتساب ضرر است و نیز سببیت قراردادی که در فرض سبب واقع شدن قرارداد برای مسئولیت متعهد متصور می‌باشد، سببیتی قانونی معرفی می‌شود که مطابق آن قانون‌گذار نظر به اقتضائات اجتماعی و ملاحظات اقتصادی و نیز عدم ضرورت اثبات

علیت واقعی بین سبب و مسبب در احراز سببیت در ضمان، با سبب‌انگاری، شخصی را مسئول جبران خسارت می‌داند که بر اساس معیار عرف، آن شخص مسبب خسارت مزبور نمی‌باشد. نتیجه چنین تعدد استقلالی، ایجاد مسئولیت ضمیمه‌ای می‌باشد که مطابق آن ذمه مسئولین مختلف به صورت جداگانه و طی روابطی متعدد نسبت به جبران ضرر زیان‌دیده مشغول و به یکدیگر ضمیمه می‌گردد. زیان‌دیده نیز به واسطه آن می‌تواند کل طلب را از هر یک از آنها که بخواهد مطالبه نماید. لذا شایسته است که نویسندگان حقوقی در مباحث مربوط به مسئولیت مدنی، در بحث تعدد اسباب، با دقت نظر، از عناوین تعدد اجتماعی اسباب و تعدد استقلالی اسباب بهره گیرند تا شاهد تحولی در مباحث مزبور بوده و از این طریق به نهاد حقوقی مسئولیت ضمیمه‌ای که تأثیر فراوانی در جبران ضررها و تعادل اقتصادی مسئولین دارد و ماحصل تعدد اسباب استقلالی است، توجه بیشتر و ویژه‌ای صورت گیرد.

کتابنامه

۱. اشتری، محمد (۱۳۵۸). رساله دکتری مسئولیت مدنی متصدی حمل و نقل زمینی. تهران: دانشگاه تهران.
۲. امامی، سیدحسین (۱۳۹۱). حقوق مدنی. تهران: انتشارات اسلامی.
۳. امیری قائم مقام، عبدالمجید (۱۳۸۵). حقوق تعهدات. تهران: میزان.
۴. امینی، عیسی (۱۳۷۹). اجتماع مسئولیت متصدی حمل و نقل با ضمان مقصر نسبت به صاحب کالا. مجله حقوقی دادگستری، ۳۳.
۵. انصاری، مرتضی (۱۴۲۸ق). کتاب المکاسب. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۶. باریکلو، علیرضا (۱۳۹۴). مسئولیت مدنی. تهران: میزان.
۷. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۳). ضمان قهری مسئولیت مدنی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
۸. تقی‌زاده، ابراهیم، هاشمی، احمدعلی (۱۳۹۶). مسئولیت مدنی ضمان قهری. تهران: دانشگاه پیام نور.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۵۷). دائرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت. تهران: انتشارات بنیاد راستاد.

۱۰. حسینی عاملی، محمدجواد بن محمد (بی تا). *مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامه*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. حیاتی، علی عباس (۱۳۹۲). *حقوق مدنی ۴ مسئولیت مدنی*. تهران: میزان.
۱۲. دهبی، ادوارغالی (۱۹۶۸). *تضامن المسئولين عن العمل الضار فی التزامهم بالتعويض. المحاماه، السنه الثامنه و الاربعون، ۷*.
۱۳. رشتی، حبیب‌اله (بی تا). *کتاب العصب*. تهران: احمد شیرازی.
۱۴. ژوردن، پاتریس (۱۳۹۴). *اصول مسئولیت مدنی*. ترجمه مجید ادیب، تهران: میزان.
۱۵. سنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۳۸). *الموجز فی النظریه العامه للالتزامات*. بی جا: بی نا.
۱۶. سنهوری، عبدالرزاق احمد (۲۰۰۹). *الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید*. بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه.
۱۷. شهید اول، محمد بن مکی (بی تا). *القواعد والفوائد فی الفقه والاصول و العربیه*. قم: مکتبه المفید.
۱۸. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۴ق). *مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۹. صاحب جواهر، محمدحسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. صفایی، سیدحسین و رحیمی، حبیب‌اله (۱۳۹۳). *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*. تهران: انتشارات سمت.
۲۱. طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۵). *العروه الوثقی مع تعلیقات*. بی جا: بی نا.
۲۲. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۹). *موجبات ضمان در آمدی بر مسئولیت مدنی و اسباب و آثار آن در فقه اسلامی*. تهران: میزان.
۲۳. قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۹۰). *الزامها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد*. تهران: میزان.
۲۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). *حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). *الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری*. تهران: دانشگاه تهران.
۲۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹). *حقوق مدنی نظریه عمومی تعهدات*. تهران: میزان.
۲۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). *دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده*. تهران: میزان.
۲۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴). *دوره حقوق مدنی عقود معین*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۹. کاشف‌الغطاء، محمدحسین (۱۳۵۹). *تحریر المجله*. تهران: مکتبه النجاج.
۳۰. مامقانی، محمدحسن بن عبدالله (۱۳۵۰). *نهایه المقال فی تکمله غایه الآمال*. قم: مجمع

الذخائر الاسلامیه.

۳۱. محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل‌البت (علیهم‌السلام) لاحیاء التراث.

۳۲. یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۵). قواعد عمومی مسئولیت مدنی. تهران: میزان.

۳۳. یزدانیان، علیرضا و نیازی، عباس (۱۳۹۳). مطالعه تطبیقی مسئولیت تضامنی در فقه و حقوق فرانسه. فقه و حقوق اسلامی، ۸.

